

۱۴۴۴

www.ketab.ir

حمیدہ خرائی

نشر

نام کتاب:

به کوشش:

صفحه آرا:

ناشر:

چاپ اول:

شمارگان:

شابک:

چاپ:

قیمت:

مهندس حمیده خزائی

آلویه انتشارات گل محمدی

انتشارات گل محمدی

پهر ماه ۱۳۹۳

۳۰۰۰ نسخه

۹۷۸-۹۶۴-۲۶۹۰-۲۷-۵

مهشید

۷۵۰۰ تومان

سرشناسه: خزائی، حمیده، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور: تلنگر دهم/حمیده خزائی.

مشخصات نشر: مشهد: گل محمدی،

مشخصات ظاهری: ۸۰ص: مصور: ۱۷×۱۱ س.م.

شابک: ۵-۲۷-۲۶۹۰-۹۶۴-۹۷۸/ ۷۵۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی

موضوع: داستان های کوتاه فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۸۸۸ ت ۲۴۳۶ ز/ PIR۸۰۴۰

رده بندی دیویی: ۳/۶۲ فا ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۰۸۶۳۸



مشهد: کوشنکی ۲۰ - بین میدان شهید کوشه ای و

دفتر پستی ۴۱ - ساختمان ۱۵۵ - طبقه سوم

انتشارات گل محمدی

تلفن: ۳۸۲۵۵۸۸۸ (خط ۲) دورنگار: ۳۸۲۲۸۱۱۱ (۰۵۱)

www.GolPublish.com

ناشر از فرهیختگی و درایت مدیران شرکت الماس تابان گیش، بنیان گذار مجموعه عظیم و فاخر بزرگ بازار اطلس

به خاطر کمک به اشاعه ی فرهنگ مثبت اندیشی و ترویج کتاب خوانی در جامعه کمال تشکر را دارد.

www.atkish.com

به قلم ناشر

بچه‌ها با شیطننت تمام برای معلم تاریخ یک صندلی شکسته گذاشتند تا پس از آن که معلم روی آن نشست، زمین بخورد و کف کلاسی ولو شود تا آن‌ها بخندند.

معلم تاریخ که چهره‌ای اساطیری داشت و همیشه با صدایی دو رگه حرف می‌زد و به قدمت تاریخ زیرک و باهوش بود، موضوع را فهمید و متوجه شد که بچه‌ها چه شیطنتی کرده‌اند.

پیش از آن که حرفی بزند شروع به قدم زدن نمود تا کمی فکر کند و کلاس در سکوتی عجیب فرو رفت. در دل تمامی بچه‌ها ترس بزرگی متولد شد.

اگر بازخواست کند! اگر توبیخ شوند! اگر ناظم مدرسه را خبر کنند! اگر والدین را بخواهد! اگر کسی اخراج شود! اگر کسی همه چیز را لو دهد! و هزار و یک اگر دیگر که در ذهن یک‌یک بچه‌ها شکل می‌گرفت و همین موضوع تحمل سکوت معلم را سخت‌تر می‌نمود.

عاقبت معلم به حرف آمد و سکوت را شکست.

با همان صدای دو رگه شروع به صحبت کرد و چهره‌ای بیش از پیش اساطیری به خود گرفت؛ انگار که می‌خواست نطق بزرگی را در تاریخ به ثبت برساند.

بلند گفت: «اگر من روی این صندلی شکسته بنشینم و نقش بر زمین شوم، هیچ‌کدام حق خندیدن ندارید!»

ترس بچه‌ها با تعجب در آمیخت که این جملات چه معنایی می‌دهند که معلم ادامه داد: «چون من می‌خواهم آگاهانه روی صندلی شکسته‌ای بنشینم که هر لحظه احتمال دارد نقش بر زمین شوم و این دیگر موضوعی خنده‌دار نیست و...»

هنوز پس از گذشت ۳۰ سال از آن زمان صدای زنگ‌دار معلم تاریخ در گوش دانش‌آموزان و بلکه ابدیت تاریخ هست که گفت: «... می‌خواهم آگاهانه...»

به راستی درس بزرگی را آن روز معلم تاریخ از آگاهی به تاریخ داد.

یادش گرامی؛ روحش شاد.